



# Balkh International Journal of Social Science



ISSN – P 0000 -0000 E: 0000- 0000

Vol.1 NO.1 2025

URL: <https://bjss.ba.edu.af/index.php/bjss>

بررسی عوامل سیاسی در گسترش و تکوین مذهب حنفی در سال دوم هجری

## The Study of Political Factors in the Expansion and Formation of the Hanafi School of Thought in the Second Century AH

1. Qari Mahmood Mohammadi<sup>1</sup>   
Senior Assistant, Faculty of Sharia, Balkh University
2. Hikmatullah Hikmat<sup>1</sup>   
Senior Assistant, Faculty of Sharia, Balkh University

Received: 29/6/2025 Accepted: 31/10/2025 Published: 04/12/2025

### Abstract

The Hanafi school of thought, one of the earliest and most influential Islamic jurisprudential schools, emerged and gained widespread acceptance among Muslims during the early second century AH. This study explores the political factors that contributed to its formation, expansion, and institutionalization. Using a qualitative historical analysis, the research examines primary and secondary sources related to the life and political context of Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him), as well as the political dynamics of the Umayyad and Abbasid periods. The findings indicate that political conditions and the interaction between scholars and ruling authorities significantly influenced the development of the Hanafi school's methodologies and legal frameworks. Political powers sought to harness the school's scholarly influence to legitimize their rule and maintain social stability, although Imam Abu Hanifa himself resisted direct political engagement, including his refusal to assume judicial office. The discussion highlights how these interactions shaped both the intellectual

---

<sup>1</sup>. Email: [qarimahmood07711@gmail.com](mailto:qarimahmood07711@gmail.com)

coherence and the social authority of the Hanafi school, ensuring its lasting prominence in Islamic jurisprudence.

**Keywords:** Imam Abu Hanifa, Hanafi Jurisprudential School, Political Factors, 2nd Century AH

### چکیده

مذهب حنفی به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین مذاهب فقهی بوده و مورد پذیرش و گسترش در میان مسلمانان قرار گرفته است. تکوین این مذهب به اوایل قرن دوم هجری باز می‌گردد و منسوب به امام ابوحنیفه (رح) است که پس از استادش، در سال (۱۲۰ هجری) حماد بن ابی‌سلیمان، بر مسند افتاء و تدریس نشست. در آن دوران، تفاوتی میان علوم روایت حدیث، فتاوی، و مباحث کلامی (عقاید) وجود نداشت. این مذهب توانست در قرن دوم هجری ابتدا در دوره امویان و سپس در زمان خلافت عباسیان شکل گیرد که اسباب و عوامل زیادی به خصوص عوامل سیاسی نقش مهمی در شکل‌گیری مذهب حنفی در آن دوران داشته است چون مذهب حنفی در مواجهه با تحولات سیاسی و علمی آن زمان، مورد توجه قدرت‌های سیاسی قرار گرفته و این توجه سبب تشکیل و گسترش این مذهب گردیده است. این مقاله به روش کتاب‌خانه‌ای و رویکرد تحلیلی-توصیفی به بررسی زندگی امام ابوحنیفه (رح)، جایگاه فقهی و موضع سیاسی او می‌پردازد. سپس عوامل سیاسی مؤثر در شکل‌گیری مذهب حنفی و دلایل اصلی تأسیس آن در جامعه اسلامی در قرن دوم هجری را تحلیل نموده است. هم‌چنین به عوامل سیاسی خارجی که در مراحل اولیه تأسیس این مذهب نقش داشته‌اند، پرداخته است. این مرحله با وفات امام حسن بن زیاد لؤلؤی (۲۰۴ هجری) پایان می‌یابد که در شکل‌گیری مذهب حنفی عوامل درونی و بیرونی زیادی از جمله استقامت، موضع‌گیری‌های سالم امام ابوحنیفه، نفوذ در قدرت سیاسی، دوری از مواضع فته، برخورد ادیان و تمدن‌ها و... نقش اساسی و مهمی داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** امام ابوحنیفه، مذهب فقهی حنفی، عوامل سیاسی، قرن دوم هجری

### ۱. مقدمه

مذهب حنفی یکی از قدیمی‌ترین مذاهب فقهی است که شکل گرفته و بیشترین پذیرش و گسترش را در میان مسلمانان داشته است. ریشه‌های این مذهب به صحابی جلیل‌القدر عبدالله بن مسعود باز می‌گردد، کسی که از کودکی تحت تربیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرار گرفت و سپس فقه خود را از عمر فاروق رضی‌الله‌عنه‌آموخت.

شکل‌گیری این مذهب به‌عنوان یک مکتب فقهی به اوایل قرن دوم هجری، به‌ویژه سال ۱۲۰ هجری، بر می‌گردد، زمانی که امام ابوحنیفه بر کرسی افتاء و تدریس جانشین استاد خود، حماد بن ابی‌سلیمان، شد. این سال به‌عنوان آغاز رسمی اولین مذهب فقهی مستقل شناخته می‌شود. در آن زمان، هنوز تفاوتی میان علوم روایت حدیث، فتاوی، و مباحث کلامی (عقاید) وجود نداشت.

بنیانگذار این مذهب توانست با اجتهادات فقهی و تمدن ساز خود، شاگردانش و موضع گیری‌های سالم جایگاه خاصی در میان امت اسلامی و در مراکز قدرت، ابتدا در دوران امویان و سپس در دوران عباسیان، به دست آورد.

این دوره پیوندی میان عصر تابعین و عصر اتباع تابعین به وجود آورد، دوره‌ای که ستارگان اجتهاد و استنباط، هم چون فقهای سبعه، ظهور کردند و از منابع علمی صحابه بزرگوار، نظیر عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر و انس بن مالک رضی الله عنهم، بهره مند شدند. قرن دوم هجری را می‌توان مقدمه‌ای برای پایه گذاری اصول فقه، تفسیر و روایت حدیث دانست. این علوم از عراق به سایر مناطق جهان اسلام گسترش یافتند، در حالی که پیش تر در شهرهای مدینه، مکه، کوفه، و بصره محدود بودند.

علاوه بر این، ظهور فرق کلامی اهداف عقیدتی، فرقه‌ای یا سیاسی داشت و عوامل سیاسی مهمی نیز در شکل گیری و تکوین مذهب حنفی نقش ایفا کردند. این عوامل شامل برخی پدیده‌های سیاسی، رویدادها و ظهور جریان‌های سیاسی یا گرایش‌هایی بود که بر ثبات قدرت و جامعه تأثیر می‌گذاشت. هم چنین، نقش علمای دین در مواجهه با بحران‌های حکومتی و حمایت از مشروعیت سلاطین و چالش‌هایی که از خارج به عمق جامعه اسلامی نفوذ می‌کرد، برجسته بود.

اولین کسی که فقه را تفریع و تخصصی کرد، امام ابوحنیفه (رح) بود. (ابن الحنانی، بی تا، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۶۱). امام شافعی (رح) نیز درباره او فرمود: (الناس کلهم عيال علی ابي حنیفة فی الفقه). (ذهبی، ۱۴۰۸ق، صص ۱۷-۱۸). ترجمه: همه مردم در فقه وابسته به ابوحنیفه‌اند.

با استقلال یافتن علم فقه از سایر علوم اسلامی در اوایل قرن دوم هجری، فقها، به ویژه بنیان‌گذاران مذهب حنفی، به تربیت شاگردان مشتاق و استنباط عمیق تر احکام پرداختند. ابوحنیفه، با تقسیم فقه به دو بخش اصلی، نقش مهمی ایفا کرد: فقه اکبر، که به توحید یا عقیده اختصاص داشت. فقه اصغر، که همان فقه به معنای امروزی است.

در حالی که مباحث آن زمان حول محور متون حدیث و تفسیر آیات قرآن متمرکز بود، تاجای که معلومات و مطالعات نویسنده‌ای اجازه می‌دهد، این تحقیق از تحقیقات علمی است که قبلاً به شکل منسجم و سازمان یافته تحقیقی صورت نگرفته، از این جهت این تحقیق به نوع خود جدید و به بررسی عواملی می‌پردازد که در شکل گیری مذهب حنفی به عنوان یک مذهب فقهی نقش داشتند. هم چنین، نقش فقها در بازنگری فتاوی خود بر اساس نزاعات سیاسی و اختلافات فرقه‌ای و تعمیق درک ادله احکام شرعی و استدلال‌های آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

این تحقیق هم چنین جایگاه سیاسی مذهب حنفی را در قرن دوم هجری از طریق بررسی عوامل سیاسی داخلی و خارجی و مهم ترین تحولات سیاسی که احناف در آن نقش داشته‌اند، مورد بررسی قرار داده است.

بنابراین اسباب و عوامل سیاسی در شکل‌گیری و تکوین مذهب فقهی حنفی در قرن دوم هجری چیست؟ کدام عوامل داخلی و حاری سبب تکوین این مذهب گردیده است؟ و جایگاه سیاسی امام ابوحنفی و شاگردانش در شکل‌گیری دانش فقهی به چه اندازه است؟ در این تحقیق به این سوالات و سوالات دیگری از این قبیل پاسخ‌های علمی ارائه گردیده و در آن از روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی-توصیف استفاده شده است.

### اولاً: امام ابوحنیفه، بنیان‌گذار مذهب حنفی

در این بخش، پس از نگاهی کلی به زندگی امام ابوحنیفه، جایگاه علمی و فقهی او و مواضع سیاسی اش، مروری کوتاه بر شرایط اجتماعی و سیاسی دوران او خواهیم داشت.

#### ۱،۱ زندگی امام ابوحنیفه و علم فقه

امام ابوحنیفه (رح) در سال ۸۰ هجری در شهر کوفه و در خانواده‌ای با اصالت پارسی-دری به دنیا آمد، طبق آنچه غالباً نقل شده است. (ابوزهره، ۱۹۴۸م، ص. ۱۵). این دوران همزمان با خلافت عبدالملک بن مروان اموی (۶۵-۸۶ هجری/۶۸۵-۷۰۵ میلادی) بود. امام ابوحنیفه در کوفه رشد یافت، دوران کودکی خود را در این شهر گذراند، و بیشتر عمر خود را به یادگیری، مناظره و آموزش سپری کرد.

با توجه به شرایط خانواده او، به نظر می‌رسد که از خانواده‌ای متمول بوده است. پدر او تاجری دیندار و ثروتمند بود که به تجارت مشغول بود. به همین دلیل، امام در کودکی به حفظ قرآن روی آورد. (همان اثر، ص. ۱۵).

او موفق شد گروهی از صحابه‌ای که دوران کودکی یا جوانی را تجربه کرده بودند، ملاقات کند، از جمله انس بن مالک (وفات: ۹۳ هجری)، عامر بن طفیل (وفات: ۱۰۲ هجری)، عبدالحرث بن جزء الزبیدی (وفات: حدود سال ۸۰ هجری) و سهل بن سعد الساعدی (وفات: ۹۱ یا ۸۸ هجری). او در دوران تابعین رشد یافت و در کنار آن‌ها به فقه و افتا پرداخت.

خداوند او را یاری داد تا گروهی از شاگردان برجسته دور او گرد آیند، از جمله:

- ابویوسف یعقوب بن ابراهیم انصاری (۱۱۳-۱۸۲ هجری)، متخصص در علم حدیث<sup>۲</sup>
- حسن بن زیاد لؤلؤی (۱۱۶-۲۰۴ هجری)، پیشگام در مسائل پرسش و تفریع.
- زفر بن الهذیل (۱۱۰-۱۵۸ هجری)، برجسته در قیاس.

<sup>۲</sup> - امام ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب انصاری، معروف به قاضی القضاة، در سال ۱۱۳ هجری به دنیا آمد. از هشام بن عروه، یحیی بن سعید انصاری، عطاء بن سائب، اعمش و امام ابوحنیفه روایت کرد و نزد امام ابوحنیفه شاگردی نمود. وی برجسته‌ترین و دانشمندترین شاگرد امام ابوحنیفه بود. علم او را شاگردانی هم چون محمد بن حسن شیبانی، معلى بن منصور، هلال ابن سماعه و دیگران فراگرفتند. هم چنین، یحیی بن معین، احمد بن حنبل و دیگران از او روایت کرده اند. از آثار او می‌توان به کتاب الخراج، المبسوط و أدب القاضی اشاره کرد. امام ابویوسف در سال ۱۸۲ هجری درگذشت.

• محمد بن حسن شیبانی (۱۳۲-۱۸۹ هجری)، دارای تیزهوشی و دانش نحو، حساب و فقه. (ابن

الحنائی، ج ۱، ص ۱۶۰).

کوفه در آن زمان مرکز عقاید و فرقه‌های متضاد بود. در عراق به طور کلی تمدن‌های قدیمی دیگری نیز زندگی می‌کردند که پیش از اسلام مدارس خود را داشتند و فلسفه یونان و مسیحیت را در آنجا تدریس می‌کردند. هم‌چنین، اختلافات شدید در حوزه سیاست و اصول عقاید در عراق وجود داشت و خوارج و اهل تشیع نیز در این منطقه فعال بودند. امام ابوحنیفه این شرایط را مشاهده کرد و در بحث‌ها و مناظره‌ها با افراد مختلف شرکت کرد. او توانست با استفاده از عقل سلیم و بینش اسلامی خود، به نقد عقاید منحرف بپردازد.

با وجود این، امام ابوحنیفه به فرهنگ اسلامی عصر خود نیز آشنایی کامل داشت، علاوه بر حفظ قرآن، با حدیث، نحو، ادبیات و شعر آشنایی داشت. او با فرقه‌های مختلف درباره مسائل اعتقادی مناظره می‌کرد و شیوه‌ای منحصر به فرد در فهم اصول دین ارائه داد.

با این حال، در آغاز، امام بیشتر به تجارت در بازارها مشغول بود و کمتر در مجالس علما شرکت می‌کرد، تا اینکه برخی علما متوجه هوش سرشار و توانایی فکری او شدند و به او توصیه کردند که با علما نشست و برخاست داشته باشد. او پس از این توصیه، به مدت هجده سال شاگردی استاد بزرگ حماد بن ابی سلیمان را بر عهده گرفت و تا زمان وفات استادش، در چهل سالگی، از محضر او بهره برد. امام ابوحنیفه سفرهای متعددی به مکه و مدینه برای حج انجام داد و در آنجا با علما ملاقات کرد. این ملاقات‌ها اغلب به مباحثه و تبادل علمی و فقهی منجر می‌شد. شیخ محمد ابوزهره می‌گوید: «برخی از افرادی که از آنها روایت کرده یا با آنها مناظره کرده، از فرقه‌ها بودند به عنوان مثال، او با زید بن علی زین العابدین، جعفر صادق از امامان شیعه، و عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (معروف به نفس زکیه) گفتگو و مباحثه داشت.»

این ارتباطات موجب آشنایی او با فرقه‌های کلامی و سیاسی مختلف و اندیشه‌های متنوع آن‌ها شد (النقیب، بی تا، ص ۴۸).

## ۲- تأسیس مذهب حنفی

با همراهی مداوم امام ابوحنیفه با استادش حماد بن ابی سلیمان و ملاقات او با فقها و محدثین و پیگیری تابعین هر جا که بودند، به ویژه آن تابعینی که با صحابه ارتباط داشتند و در فقه و اجتهاد برجسته بودند، امام ابوحنیفه به ملکه‌ای قوی در فقه و اجتهاد دست یافت. او خود می‌گوید: «فقه عمر، فقه علی، فقه عبدالله بن مسعود و فقه عبدالله بن عباس رضی الله عنهم را از شاگردانشان آموختم». این سخن، گواهی بر عمق علمی او و ارتباطش با سنت فقهی گذشته است.

آغاز شکل‌گیری مذهب حنفی زمانی است که امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) منصب تدریس، آموزش و افتا را از استادش حماد بن ابی سلیمان متوفای (۱۲۰ هجری) به ارث برد. حماد خود شاگرد ابراهیم

نخعی متوفای (۹۶ هجری)، علقمه متوفای (۶۱ هجری)، اسود متوفای (۷۵ هجری) و مسروق متوفای (۶۲ هجری) بود؛ این بزرگان نیز علم خود را از فقهای صحابه رضوان الله علیهم کسب کرده بودند. این سلسله علمی موجب شد که آوازه امام ابوحنیفه به مناطق مختلف برسد و مذهب او مورد پذیرش عموم مسلمانان قرار گیرد (القاسمی، بی تا، ص ۲۰۳).

### ۳- سیاست عصر امام ابوحنیفه

دوره حکومت امویان با مشکلات زیادی از داخل و خارج مواجه بود، که این مشکلات از زمان عبدالملک بن مروان (سال ۶۵ هجری) آغاز شد با این حال، امویان موفق شدند بر نیمی از جهان یا بیشتر مسلط شوند، حاکمان دیگر از قدرت اموی‌ها هراس داشتند و مجبور بودند هنگام تصمیم‌گیری‌های سیاسی، این دولت قدرتمند را در نظر بگیرند. اگرچه امویان به اندازه‌ای قوی بودند که بتوانند بر کل جهان مسلط شوند، اما برخی شورش‌های داخلی مانع این امر شده بود این شورش‌ها، از جمله شورش ابن زبیر به بهانه خلافت، سبب شد که منطقه حجاز به مدت نه سال تحت کنترل او باقی بماند و این کنترل تنها با یک درگیری طولانی و کشتار هزاران نفر پایان یافت.

در این شرایط، مقامات سیاسی آن دوره به جایگاه علمی و تأثیر امام ابوحنیفه (رح) بر مردم پی بردند و تلاش کردند از موقعیت او برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود و خاموش کردن صدای مخالفان استفاده کنند، آن‌ها هم چنین سعی کردند از طریق جایگاه او، مردم را در عبادات و معاملات متحد کنند و خطر اختلاف میان علمای مسلمان و عموم مردم را کاهش دهند، به همین دلیل، شخصیت امام اعظم و پیروان او نه تنها در حوزه‌های علمی بلکه در میدان سیاست نیز برجسته شد.

امام ابوحنیفه با شجاعت، از عقل سلیم در اجتهاد و استنباط بهره می‌برد و در برابر حکومت‌های ظالم مواضع قاطعانه‌ای داشت او از سوی دیگر، با فرقه‌های منحرف به بحث و مناظره می‌پرداخت. امام ابوحنیفه و یارانش همواره با جامعه در تعامل بودند او اخبار سیاسی عصر خود را دنبال می‌کرد و نسبت به وقایع مختلف سرزمین‌های اسلامی بی تفاوت نبود این نشان می‌دهد که عالم دینی باید همواره در ارتباط با جامعه باشد و به بهانه مشغولیت به علوم شرعی از مشکلات و مسائل مردم غافل نشود، زیرا رعایت حقوق امت بر او اولویت داشت.

امام ابوحنیفه، که دوران طولانی از حکومت اموی‌ها هم‌چنین دوره‌ای از حکومت عباسیان را تجربه کرده بود، شاهد تغییرات سیاسی گسترده‌ای بود که منجر به انتقال قدرت از امویان به عباسیان شد او در این دوران تغییرات متعددی در امیران، دولت‌ها و خلفا مشاهده کرد و مواضع او در برابر این تحولات، نشان‌دهنده فقه سیاسی اوست که شایسته بررسی دقیق است.

به تاسی از امام ابوحنیفه، شاگردان او نیز در مناصب حکومتی و قضایی فعالیت داشتند؛ از جمله ابویوسف و دیگران که با پذیرش مقام قضاوت، به تأثیرگذاری در نظام حکومتی پرداختند. (چتین، ۲۰۱۹م، ص ۳۰).

### ثانیاً: عوامل سیاسی داخلی در شکل‌گیری مذهب حنفی

می‌توان عوامل داخلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری مذهب حنفی را از جنبه‌های مختلف بررسی کرد، اگرچه این عوامل قابل شمارش کامل نیستند. بنابراین، می‌توان گفت که از جمله این عوامل عبارتند از:

#### ۱- کشمکش‌های داخلی و افزایش مخالفت‌های سیاسی

با تأمل در آنچه تاریخ‌نگاران درباره وقایع آن دوره ثبت کرده‌اند، می‌توان دریافت که رویدادهای سیاسی آن زمان کوچک و ناچیز نبوده‌اند، بلکه درگیری‌ها و تفاوت‌های قومی میان ملت‌هایی که به تازگی به اسلام گرویده بودند، بسیار گسترده بوده است هم‌چنین، می‌توان مشاهده کرد که سال‌های اول زندگی امام ابوحنیفه (رح) دوره‌ای از شورش‌ها و نزاع‌ها بود.

این درگیری‌ها باعث کاهش فتوحات اسلامی و دستاوردهای نظامی شد که پیش‌تر تا سرزمین‌های ترک از سمت شرق، سرزمین‌های بیزانس و ارمنستان از طرف شمال، و حتی تا سرزمین اندلس از سمت غرب گسترش یافته بودند.

در این شرایط، آشفتگی‌های سیاسی در جامعه میان نیروهای متنازع برای کسب قدرت هم‌چنین میان فرقه‌های اعتقادی که درصدد تجزیه دولت و از هم‌گسیختن وحدت امت بودند، شدت گرفت. این وضعیت در طول نزدیک به صد سال پس از شکل‌گیری وحدت اسلامی به‌دست پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم و خلفای راشدین ادامه یافت.

#### ۲- عامل اجتماعی-سیاسی در جامعه

در آن دوره، بدعت‌هایی در اعتقادات رواج یافت که از اواخر دوران خلفای راشدین آغاز شده بود و برخی حکومت‌ها مردم را به پذیرش این بدعت‌ها مجبور می‌کردند ابن‌عبدالحمک نقل می‌کند: «شنیدم شافعی می‌گفت: وقتی یزید بن ولید به خلافت رسید، مردم را به پذیرش عقیده قدر دعوت کرد و آنان را بر این عقیده وادار نمود». (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۲). نیاز اجتماعی به یک اندیشه جامع که بتواند اکثریت امت را گرد هم آورد، محسوس بود ظهور شخصیت‌های فقهی با مواضع سیاسی و اجتماعی‌شان در حکومت و جامعه، به شکل‌گیری مذهب حنفی به‌عنوان یک مکتب فقهی منجر شد. این مذهب توانست متون شرعی را با واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی تطبیق دهد، بدون آنکه به سخت‌گیری یا تسامح بیش از حد دچار شود هم‌چنین، این مذهب با استفاده از جدل، مناظرات علمی و روش‌های استدلال و اجتهاد، اختلافات میان گروه‌های متخاصم را کاهش داد.

ظهور مذهب حنفی هم‌چنین بازنگری در ادله‌ای را که هر گروه یا فرقه برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات سیاسی خود به آن‌ها استناد می‌کردند، به ارمغان آورد، این مکتب علمی به‌عنوان شاخه‌ای مستقل از علوم اسلامی مطرح شد و از تفرقه‌های طائفه‌ای و دینی پیشین متمایز گردید.

ویژگی‌های این مذهب در حل مسائل حساس سیاسی آن دوره و کسب محبوبیت میان حکومت‌ها و مردم به شرح زیر است:

۱. انعطاف‌پذیری و سادگی در فهم متون شرعی در مقایسه با اغلب فقهای اهل حجاز؛
۲. آمادگی برای مناظره و گفت‌وگوی علمی با فرقه‌های گمراه و منحرف مانند خوارج، مرجئه، جهمیه، قدریه و دیگر گروه‌ها؛
۳. مذهبی مبتنی بر جماعت و حکومت، نه فرد: این مذهب در نهادهای حکومتی نفوذ گسترده‌ای داشت؛

۴. آموزش اصحاب توسط امام در استنباط احکام از ادله شرعی، که به رشد توانایی و مهارت مجتهدان این مذهب و پذیرش مشروعیت آن‌ها از سوی مردم منجر شد؛
۵. رقابت شدید میان دو مکتب عراق و حجاز: یعنی مکتب رأی و اجتهاد که اهل عراق نماینده آن بودند و مکتب حدیث که توسط اهل حجاز نمایندگی می‌شد. (ابوزهره، صص. ۴۰۷-۴۱۰).
- ۳- استقامت مواضع سیاسی امام ابوحنیفه به‌عنوان نماینده مذهب خود در امور دولت و

### سیاست

این موضوع یکی از پرننگ‌ترین جنبه‌هایی است که در کتاب‌های تاریخ و سیره درباره مواضع سیاسی امام ابوحنیفه ثبت شده است مهم‌ترین نکاتی که می‌توان در این زمینه به آن‌ها اشاره کرد، به شرح زیر است:

#### ۱. عدم ابراز مخالفت آشکار امام با امویان تا قیام زید بن علی

امام ابوحنیفه (رح) تا پیش از قیام زید بن علی رضی‌الله‌عنه مخالفت آشکاری با امویان نشان نداد این مسئله بیانگر آن است که روش امام در سیاست، مبتنی بر ایجاد درگیری مستقیم با صاحبان قدرت نبود، اما هنگامی که میان دو گزینه، یکی ظالم و دیگری عادل قرار می‌گرفت، او عاقلانه به سمت کسی متمایل می‌شد که عدالتش مورد امید بود گفته شده است که زید بن علی، امام ابوحنیفه را برای حمایت از قیام خود دعوت کرد. (همان اثر، صص. ۳۲).

#### ۲. ورع امام از ورود به دربار سلاطین

امام ابوحنیفه از پذیرش مناصب دولتی امتناع می‌کرد به‌عنوان مثال، وی از پذیرش منصب «ختام» (مسئول مهر کردن اسناد) برای ابن هبیره، والی کوفه در زمان امویان، خودداری کرد او می‌گفت: «اگر از من بخواهند درهای واسط را بشمارم، نمی‌پذیرم؛ چگونه می‌توانم سندی را مهر کنم که خون مردی را برای اعدام تأیید می‌کند؟ به خدا سوگند، هرگز در این امر دخالت نمی‌کنم». سپس او به مکه رفت تا زمانی که قدرت به عباسیان منتقل شد (دینوری، ۲۰۲۰م، ج ۱، صص. ۱۱۰).

#### ۳. استفاده از ضعف دولت اموی برای ابراز دیدگاه‌ها

در زمان ضعف دولت اموی، امام ابوحنیفه شجاعت بیشتری برای نقد و بیان دیدگاه‌های خود یافت، چرا که حاکمان قادر به آسیب رساندن به او نبودند دکتر ایمن جمال می‌گوید: «شاید امام ابوحنیفه حمایت خود از زید بن علی را بر مبنای تزلزل اوضاع حکومت بنا نهاد و هنگامی که دید قدرت

امویان در حال فروپاشی است، از حاکمی جدید که بتواند کشور را اداره کند، حمایت کرد. (الجمال، ۲۰۲۰م، <https://sy-sic.com/?p=7860>).

#### ۴. دوری امام و شاگردانش از درگیری‌های فتنه‌انگیز

تسلط امام ابوحنیفه و شاگردانش بر فقه و استدلال‌های شرعی، آن‌ها را از درگیر شدن در فتنه‌ها و نزاع‌های سیاسی تا زمان استقرار کامل حکومت باز می‌داشت این امر باعث شد که فتوای سیاسی آن‌ها به صورت دقیق و مورد پذیرش عموم ارائه شود، امام ابوحنیفه شخصاً در جنگ‌ها شرکت نمی‌کرد و شاگردانش بیشتر به استنباط احکام، تدریس و گسترش محافل علمی می‌پرداختند به‌ویژه امام محمد مسئولیت تدوین این فتاوا و نتایج علمی را بر عهده داشت. (القرشی، بی‌تا، ص. ۱۴۱).

#### ۵. مهارت در مدیریت سیاست‌های متغیر امویان و عباسیان

در سیاست‌های متغیر دوره‌های اموی و عباسی، امام ابوحنیفه و شاگردانش نقش مهمی در منصب قضاوت و خطابه ایفا کردند امام ابوحنیفه (رح) در برابر ظلم و طغیان، موضعی قاطع داشت و در عین حال مردم را به اتحاد و اطاعت از ولی امر دعوت می‌کرد، برای نمونه، او گرچه نسبت به عباسیان هم چون امویان موضع تند و معارضی اتخاذ نکرد، اما با رد قضاوت برای ابوجعفر منصور، انتقاد خود را نشان داد، خطبه‌ها و دروس او شامل دعوت به اطاعت و همراهی با جماعت بود با این حال، فشاری که از سوی منصور بر او وارد شد، شاید به دلیل حمایت غیرمستقیم او از قیام‌های خاندان علی رضی‌الله‌عنه و عدم تطابق سیاست‌هایش با خواسته‌های منصور بود. (الحنبلی، ۱۴۳۸ق، ص. ۲۶).

#### ۴- نفوذ سیاسی مذهب حنفی در قدرت سیاسی

این موضوع به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در توانمندی و تثبیت مذهب حنفی در جامعه و دستگاه‌های حکومتی شناخته می‌شود، این نفوذ از طریق فتاوی سیاسی امام ابوحنیفه که از طریق حلقات علمی و خطبه‌های جمعه ارائه می‌شد، به جامعه و سیاست منتقل می‌گردید.

هم‌چنین نباید از یاد برد که سه خلیفه عباسی؛ مهدی، هادی و هارون الرشید، امام ابویوسف را به منصب قضاوت منصوب کردند و او در قدرت قانون‌گذاری دولت مشارکت داشت بدین ترتیب هر فتوا یا حکم قضایی که از سوی او صادر می‌شد، به‌مثابه سخن دولت تلقی می‌شد و به تمام نقاط خلافت می‌رسید.

نفوذ و قدرت او در نصب قضات بر ایالات و تمامی مناطق خلافت عباسی نیز بارز بود، گفته می‌شود که امام ابویوسف «تنها کسانی را به قضاوت منصوب می‌کرد که به مذهب او منتسب بودند». (Bardakoğlu، ۱۹۹۷م، ص. ۱۶).

## ۵- فعالیت تدوین فقهی

این فعالیت یکی دیگر از عوامل اصلی در تثبیت و گسترش مذهب حنفی به شمار می‌رود، چرا که فقه امام ابوحنیفه و شاگردانش از زمان خود آنان جمع‌آوری و تدوین شد و این روند در دوره‌های بعد به‌طور فزاینده‌ای ادامه یافت

هرچند ممکن است این فعالیت‌های تدوینی در نگاه اول ارتباط مستقیمی با سیاست نداشته باشد، می‌توان فرض کرد که این تلاش‌ها نیز تحت نظارت سیاستمداران و دستگاه حاکمه انجام می‌شد به‌ویژه تألیف کتاب (الخراج) توسط امام ابویوسف و کتاب (السیر) توسط امام محمد که به‌طور کامل به مسائل سیاسی اختصاص داشت، این پیوند را به‌خوبی نشان می‌دهد. همان‌اثر، ص ۲۷).

### سوم: عوامل سیاسی خارجی در شکل‌گیری مذهب حنفی

بدیهی است که عوامل خارجی نیز در شکل‌گیری مذهب حنفی نقش داشته یا بر توسعه آن از بیرون تأثیر گذاشته‌اند، همان‌طور که عوامل سیاسی در داخل دولت در این شکل‌گیری مؤثر بودند با استقراء موضوع می‌توان این عوامل را به‌طور خلاصه به شرح زیر بیان کرد:

#### ۱- گسترش قلمرو اسلامی و تنوع فرهنگ‌های وارداتی

همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد، فتوحات اسلامی در آغاز دوران امام ابوحنیفه به شرق و غرب گسترش یافت، اما به دلیل بحران‌های سیاسی در مرکز قدرت سیاسی، این گسترش متوقف شد، این امر منجر به نوسانات در جوامعی شد که به قلمرو جغرافیایی اسلام پیوسته بودند، از جنبه‌های سیاسی، عقیدتی و فهم متون شرعی مذهب حنفی شاهد ورود عناصر خارجی مانند زبان‌هایی همچون فارسی و ترکی و همچنین فرهنگ‌های بیرونی شامل عادات و عرف‌هایی بود که پیشگامان این مذهب به آن‌ها جایگاه و اعتباری بخشیدند که پیش‌تر مشابه آن وجود نداشت.

ارتباط میان فهم حنفیان از «اجماع سکوتی» و دلیل «عرف عام» نیز قابل بررسی است، همچنین می‌توان تأثیرات عادات عراقی را در شکل‌گیری منابع فقهی مذهب مشاهده کرد، به‌ویژه تأثیر عرف و عادات ماوراءالنهر در دوران مشایخ این سرزمین به‌عنوان نمونه:

- توجه به تخصیص عام به عرف؛
- تقسیم‌بندی عادات به عمومی و خاص؛
- فهم از ولایت در ازدواج؛
- نگاه به عقل به‌عنوان یک منبع شرعی؛
- دادن میراث به ذوی‌الارحام؛
- رفتار برابری طلبانه‌تر در تثبیت حقوق اقلیت‌ها.

این‌ها واقعیت‌های اجتماعی و نتیجه اهمیت دادن به عادات منطقه‌ای هستند. این تأثیرات در استدلال‌های آن‌ها بر اجماع، قیاس، و اقوال صحابه به‌ویژه در تأکید و تثبیت استحسان به‌عنوان یکی از دلایل احکام، نمود پیدا کرد (همان اثر، صص. ۲۱-۲۷).

## ۲- فعالیت‌های جنبش ترجمه و ارتباط با فلسفه در دوران ابو جعفر منصور (۷۵۴-۷۷۵ م):

این جنبش را می‌توان یکی از برجسته‌ترین عوامل سیاسی مؤثر در شکل‌گیری مذهب حنفی دانست، جنبش ترجمه که در دوران اموی با تلاش‌های فردی آغاز شده بود، در دوره منصور، خلیفه دوم عباسی، به سرعت چشمگیری دست یافت، منصور که بنیان‌گذار شهر بغداد و پایه‌گذار واقعی دولت عباسی بود، سیاست‌هایی را پی‌ریزی کرد که بقاء طولانی مدت خلافت عباسی را تضمین کرد، او نویسندگان عرب‌زبان را گرد هم آورد تا شهر جدید بغداد را به مرکزی علمی تبدیل کند و بدین ترتیب جنبش ترجمه جایگاه ویژه‌ای در این سیاست یافت.

مذهب حنفی نیز، مانند دیگر شاخه‌های دانش اسلامی، از پیشرفت‌های به دست آمده در این زمینه بهره‌مند شد. این جنبش با فراهم کردن امکان ارتباط با تمدن یونانی و مباحث فلسفی، نقش چشمگیری در توسعه دانش اسلامی و تقویت تدوین فقهی ایفا کرد.

## ۳- تأثیر ادیان دیگر در شکل‌گیری مذهب حنفی

همان‌گونه که در مقدمه پژوهش ذکر شد، عراق منبع فرقه‌ها و مذاهب گوناگون بود و در آن زمان نیز فرهنگی چندگانه داشت که در بلوغ گفت‌وگوهای علمی میان امام ابوحنیفه و نمایندگان دیگر فرقه‌ها تأثیرگذار بود. این عوامل، به‌ویژه تأثیر ادیان دیگر از خارج، در شکل‌گیری مذهب حنفی نقش داشتند. ایجاد پرسش‌های اعتقادی و فقهی از سوی پیروان یهودیت، مسیحیت و مجوسیت و تلاش آن‌ها برای ایجاد شبهه در احکام مربوط به اهل ذمه، خراج و روابط بین‌المللی در عمق جامعه، منجر به مقاومت علمی مبتنی بر اصول شریعت شد. هم‌چنین نمی‌توان ارتباط اصول برخی از فرقه‌های شیعه با گرایش‌های سیاسی و تأثیر آن‌ها از فرهنگ قدیم ایرانی را نادیده گرفت. این فرقه‌ها موجب دشواری‌هایی برای قدرت سیاسی و عالمان و فقیهان آن دوره شدند.

پاسخ‌های علمی و دقیق ائمه احناف، به‌ویژه امام ابوحنیفه، به تمامی مسائل مطرح‌شده یا فرضی، نقش مهمی در مشروعیت‌بخشی به مذهب حنفی در جامعه آن دوران داشت، این تأثیر در تسامح احناف با پیروان ادیان در مناطقی چون ماوراءالنهر و سرزمین‌های ترک که در آن زمان به ادیانی هم‌چون بودیسم و مانویت پایبند بودند، به‌خوبی نمایان می‌شود.

توانایی علمی، اجتهادی و مهارت احناف در استخراج احکام شرعی، در مقایسه با نمایندگان ادیان مخالف اسلام در قرن دوم هجری، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی بود که مؤسسان مذهب حنفی را از دیگران متمایز می‌ساخت (الشافعی، ۲۰۱۳ م، ص. ۵۰).

### نتیجه گیری

طبیعی است که ظهور مذهب حنفی هم‌زمان با تحولات سیاسی و علمی روی داد؛ زمانی که امام ابوحنیفه (رح) پس از حماد بن سلیمان، مسئولیت تربیت، آموزش و فتوا را به عهده گرفت به همین دلیل، این مذهب به سرعت مقبولیت میان مسلمانان یافت و نفوذ و شهرت آن گسترش یافت.

هنگامی که مقامات سیاسی جایگاه و تأثیر این نهاد علمی جدید را بر مردم مشاهده کردند، تلاش کردند از آن برای کنترل عمومی در مسائل مرتبط با اختلافات عبادی، معاملات و اجتماعی-سیاسی بهره‌برداری کنند. هدف اصلی مقامات سیاسی از این اقدام، کاهش خطر مخالفت عالمان و عموم مسلمانان با قدرت حاکمه بود.

یکی از نمونه‌های این تلاش‌ها، پیشنهاد خلیفه ابوجعفر منصور برای انتصاب امام ابوحنیفه به منصب قضاوت بود، هرچند امام این پیشنهاد را رد کرد. هدف منصور از این انتصاب، مشروعیت‌بخشی به قدرت خود و خاموش کردن صدای مخالفان از طریق بحث و گفت‌وگو بود. پس از این رد قاطع، شخصیت امام ابوحنیفه در سه زمینه برجسته شد: در عرصه علم و اجتهاد، در استفاده شجاعانه از عقل در استنباط و استدلال، و در مواضع قاطع و گفت‌وگوهایش با حاکمان ظالم.

از سوی دیگر، بحث‌ها و مناظرات امام با برخی گروه‌های منحرف و رهبران آن‌ها، فرصتی برای شهرت و نفوذ مذهب حنفی میان نخبگان علمی و عموم مسلمانان فراهم کرد، این تعاملات باعث شد پیروان مذهب حنفی در سطوح بالای جامعه و سیاست نقش آفرینی کنند، این عوامل سیاسی داخلی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تشکیل مذهب حنفی داشتند.

از منظر عوامل خارجی، می‌توان نتیجه گرفت که عقب‌نشینی در فتوحات اسلامی به دلیل بحران‌های سیاسی در مرکز قدرت، پس از گسترش اولیه در شرق و غرب در زمان امام ابوحنیفه، باعث نوسانات سیاسی، اعتقادی و فقهی در جوامع جدید شد. مواجهه مذهب حنفی با زبان‌ها (مانند فارسی و ترکی) و فرهنگ‌های جدید (مانند عادات و رسوم محلی)، جایگاه ویژه‌ای به این مذهب بخشید که پیش‌تر بی‌سابقه بود.

حرکت ترجمه نیز یکی از عوامل سیاسی برجسته در شکل‌گیری مذهب حنفی بود. حکومت عباسی این حرکت را در چارچوب سیاست‌هایی قرار داد که هدف آن‌ها تضمین بقای خلافت عباسی و پیشرفت علمی جامعه اسلامی بود. با این سیاست، نویسندگان عرب گرد هم آمدند و بغداد به مرکز علمی تبدیل شد. این تحول نه تنها باعث غنای علوم اسلامی، بلکه به توسعه و پیشرفت تدوین فقه حنفی نیز کمک شایانی کرد.

علاوه بر این، تأثیر ادیان دیگر (مانند یهودیت، مسیحیت و مجوسیت) در طرح پرسش‌های اعتقادی و فلسفی و ایجاد شبهه در ایمان و احکام شرعی، منجر به مقاومت علمی احناف شد. ائمه

مذهب حنفی به‌ویژه امام ابوحنیفه، با پاسخ‌های دقیق به این پرسش‌ها و مسائل فرضی، نقش بسزایی در مشروعیت‌بخشی به مذهب حنفی ایفا کردند.

هم‌چنین، تسامح احناف در روابط با پیروان ادیان در ماوراءالنهر و سرزمین‌های ترک، که به بودیسم و مانویّت پایبند بودند، از دلایل مهم در تقویت و پذیرش مذهب حنفی به‌عنوان یک مذهب اجتهادی و علمی بود. این عوامل باعث شد که مذهب حنفی جایگاه برجسته‌ای در قرن دوم هجری کسب کند و به‌عنوان یکی از مذاهب اصلی اسلام شناخته شود.

### پیشنهادهات

برای اهل قلم در حوزه فقه و اصول فقه حنفی موارد ذیل را به عنوان موضوعات تحقیقاتی پیشنهاد

می‌گردد:

- ۱- نقش خلافت عباسی در گسترش مذهب حنفی؛
- ۲- اسباب گسترش فقه حنفی در کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان؛
- ۳- عوامل علمی و تجاری در گسترش مذهب حنفی؛
- ۴- نقش قاضی امام ابویوسف و سیستم قضایی دولت عباسی‌ها در شکل‌گیری و گسترش مذهب حنفی؛
- ۵- نقش خلافت عثمانی در گسترش مذهب حنفی.

### مآخذ

- ابن الحنائی، علی بن امر الله الحمیدی، (بی‌تا)، طبقات الحنفیة، بغداد: دیوان الوقف، الاولی.
- أبو زهرة، محمد، (۱۹۴۸م)، أبو حنيفة حياته وعصره آراءه وفقهه، قاهرة: دار الفكر العربي، الثاني.
- الأصبهاني، علي بن الحسين بن محمد بن أحمد القرشي، (بی‌تا)، مقاتل الطالبيين، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفة، الاولی.
- الجمال، محمد آیمن، (۲۰۲۰م)، الإمام أبو حنيفة وفقه الثورة، المجلس الإسلامي السوري. تاریخ الاسترجاع: ۳ دسامبر ۲۰۲۱، من <https://sy-sic.com/?p=7860>
- الحنبلي، محمد إبراهيم أحمد علي، (۲۰۱۷م)، المذهب عند الحنفية والمالكية والشافعية والحنبلية، تحقیق: محمد حامد، النصر، مجلة الوعي الإسلامي الكويتية، الإصدار ۴۵.
- دينوري، أبو الحسن، (۲۰۲۰)، مناقب الإمام أبي حنيفة، تحقیق: شعبان، كوتوك، مجلة تحقیق مخطوطات العلوم الإسلامية والنشر.
- ذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان، (۱۹۹۳م)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام تحقیق: عمر عبد السلام، التدمري، بیروت: دار الكتاب العربي، الثانية.
- ذهبي، محمد بن احمد، (۱۴۰۸هـ ق)، مناقب الإمام أبي حنيفة وصاحبيه، تحقیق: محمد زاهد الكوثري، أبو الوفاء الأفعاني، حيدرآباد: لجنة إحياء المعارف النعمانية، الثالثة.

الشافعي، الحسن، (٢٠١٣م)، المدخل إلى دراسة علم الكلام، القاهرة: مكتبة وهبة، الرابعة. العلمية.  
قاسمي، مجاهد الإسلام، (بي تا)، شخصية أبي حنيفة في دراسات فقهية وعلمية، بيروت: دار الكتب

النجيب، أحمد بن محمد نصر الدين، (بي تا)، المذهب الحنفي مراحل وطبقاته ضوابطه ومصطلحاته  
خصائصه ومؤلفاته، رياض: مكتبة الرشد.

B Bardakoğlu, Ali. Hanefi Mezhebi, TDV İslâm Ansiklopedisi, 16. İstanbul 1997.

Kütük, Şaban. “Ebu’l-Hasen ed-Dîneverî’nin Menâkıbu Ebî Hanîfe Adlı Eserinin Tahkik ve Değerlendirmesi Tahkik İslami İlimler Araştırma ve Neşir Dergisi 3/2 (Aralık/December 2020): 1-110. Dumlupınar Üniversitesi, İslami İlimler Fakültesi (ÖYP/İstanbul Üniversitesi İlahiyat Fakültesi).

Maksut Çetin. İmam Ebû Hanîfe’nin Siyaset Anlayışı Ve Siyasî Tutumu. IBAD Sosyal Bilimler Dergisi, (Özel Sayı), 2019.